

1- شرایط موقوف علیه

1- شرایط موقوف علیه

وقف بر امور محرمه

۱۳۴. رئیس فرقه منحرفی املاک خود را به این فرقه وقف کرده است و با توجه به اینکه مشروعیت جهت وقف در صحت آن شرط است و از طرفی اهداف و اعتقادات و اعمال این فرقه منحرفه فاسد و گمراه کننده و باطل هستند، آیا این وقف صحیح است؟ و آیا استفاده از این اموال به نفع فرقه مذکور جایز است؟

جواب: اگر ثابت شود جهتی که ملک برای آن وقف شده، جهتی حرام و از مصادیق اعانه بر گناه و معصیت است، چنین وقفی باطل بوده و استفاده از آن اموال در جهتی که شرعاً حرام است، صحیح نمی باشد.

۱۳۵. شخصی کتاب در مورد رد و ابطال وقف خاص اولاد ذکور نوشته و در قسمت هائی از آن کتاب چنین آورده است: وقف بر اولاد ذکور آیا بر مقاصد غیر مشروع تنظیم نگاشته است؟ وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است و این سنتی است که فقط در زمان جاهلیت قبل از اسلام رونق داشت زیرا بر اساس این ادعا فرزند دختر از حقوق حقه خود محروم می شود لذا از آن مقام معظم انتظار دارد نظر شرعی را در مورد جملات فوق مرقوم فرمائید؟

جواب: وقف بر مقاصد غیر مشروع و امور محرمه محکوم به بطلان است ولی وقف بر اولاد مطلقاً و یا وقف بر اولاد ذکور صحیح است و محرومیت دختر از حقوق حقه خود در صورتیست که او را از ترکه پدر و سهم الارث او محروم نمایند. و آنچه از کتاب مذکور نقل شده اشتباه و غلط است.

وقف بر نفس

۱۳۶. شخصی قصد دارد منزل مسکونی یا ملک دیگری از خود را وقف بر مسجد یا عزاداری سید الشهداء و یا امر دیگر وقف نماید و در وقفنامه شرط نماید مادام الحیات از منافع موقوفه استفاده نماید (در منزل سکونت داشته باشد و یا...) استدعا دارد اعلام فرمائید این نوع وقف صحیح است یا به جهت اینکه احتمالاً وقف بر نفس است صحیح نمی باشد؟

جواب: اگر شرط مزبور برگشت به وقف بر نفس کند باطل است، و چنانچه استثناء از منافع وقف باشد نسبت به امثال مذکوره در سؤال مختلف است.

۱۳۷. بنده یک پدر شهید هستم که تنها فرزندمان شهید شده است و الان خودمان دو نفر به سن کهولت و پیری رسیده ایم و یک منزل داریم که حدوداً پنج میلیون تومان ارزش دارد می خواهیم بعد از مرگ خودمان وقف حسینیه اعظم شهر نمائیم آن طوریکه سؤال گرفتیم وقف باید منجز باشد و نمی شود گفت بعد از مرگ ما این منزل وقف حسینیه باشد، لذا از آن مقام عظام عاجزانه می خواهیم برای ما روشن بفرمائید که ما چه کار کنیم و چگونه وقفمان صحیح است؟

جواب: می توانید منزل را در حال حیات خودتان وقف کنید و تحویل هم بدهید ولی منافع آن را مادام الحیات برای خودتان و همسرتان استثناء کنید.

۱۳۸. از مال دنیا یک خانه مسکونی و یک باب مغازه دارم که درآمد آن کمک خرجی ام می باشد می خواهم وصیت نمایم با توجه به اینکه پیش از ۱/۳ اموال را نمی توانم وصیت کنم آیا می توانم هم اکنون که زنده هستم مغازه ام را وقف نمایم مشروط بر اینکه بعد از مردنم اجاره آن را بین طلبه هایی که در شهر خودمان درس می خوانند تقسیم شود و کتاب خریداری نمایند و اما منزل را به فرزند خوانده ام ببخشم مشروط بر اینکه تا زنده هستم در آن بنشینم و بعد از مردن، مال او باشد.

جواب: می توانید مغازه را در حال حاضر وقف و منافع آن را مادام الحیات استثناء کنید و نیز می توانید منزل را به استثنای منافع به هر فردی ببخشید البته مشروط به اینکه قبض و اقباض به نحو معتبر شرعی انجام گردد و در زمان زندگی اختیار اموالتان با خودتان است.

۱۳۹. شخصی در موقع حیات خود املاکی داشته وقف نموده است با سه شرط: شرط اول: تا زمانیکه واقف در قید حیات است منافع ملک را خودش استفاده نماید.

شرط دوم: کسی بعد از او حق فروش ندارد.

شرط سوم: بیش از سه سال اجاره داده نشود.

چندی قبل دولت طاغوت ملک فوق را به اجاره نود ساله به افرادی داده، در حال حاضر افرادی که ملک در اجاره نود ساله آنها بوده اظهار می دارند ما اقدام به گرفتن ملک خواهیم نمود مسئله این است که چون از نظر شرع اسلام واقف زمانی که در قید حیات بوده این ملک را وقف شرعی نموده خواهشمند است ضمن استفتاء اینجانب نظر شرعی خود را ذیل این مرقومه اعلام بدارید که بسیار مورد لزوم است.

جواب: در فرض مرقوم وقف صحیح است و باید طبق وقف و شروط آن عمل شود و با نظر متولی شرعی و اگر شخص خاصی متولی نیست به حاکم شرع مراجعه شده و بر طبق جهت وقف عمل شود، و اجاره نود ساله که بر خلاف شرط در ضمن وقف است صحیح نیست.

۱۴۰. شخصی می خواهد مقداری از املاک خود را وقف حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) کند به این صورت که تا حیات دارد درآمد آن ملک مال خودش باشد و بعد از حیاتش مال امام (ع) باشد. آیا چنین وقفی شرعاً صحیح است یا خیر؟ و چنانچه صحیح نیست راه صحیحش روشن فرمائید؟

جواب: اگر به نحو بت و جزم زمین را از حالا وقف کند فقط منافع آن تا پایان حیات خود را برای خودش استثناء کند مانع ندارد و چنین وقفی صحیح است.

۱۴۱. اینجانب ۷۱ سال از عمرم می گذرد قبلاً ساختمانی به نام حسینیه امام حسن مجتبی (ع) وقف نمودم و مجتمع فرهنگی و علمی امام حسن مجتبی (ع) تشکیل شد که در آن مکان عزاداری و اطعام طعام و امورات مذهبی و تعلیم قرآن در ایام سال بر قرار است. قصد دارم خانه مسکونی خود را هم به نام دارالشفاء حضرت امام حسن مجتبی (ع) و مغازه را جهت تعمیرات احتمالی آن دو باب ساختمان و هزینه های تدریس و تعلیم قرآن و تعمیر حسینیه امام حسن مجتبی (ع) وقف نمایم، اما می خواهم تا اینجانب و همسرم در حیات هستیم از آنها استفاده نمائیم و پس از درگذشت ما تحویل وقف گردد اجازه می فرمائید در دفتر خانه رسمی حاضر و به صورت فوق که سؤال شد به اداره اوقاف و اگذار شود که انشاءالله بعد از مرگ ما به وقف عمل گردد.

جواب: اگر تا زنده هستید وقف کنید و تحویل متولی شرعی دهید مانع ندارد و می توانید تصرف مادام العمر خودتان را در ضمن وقف شرط کنید ولی باید وقف منجز فعلی باشد و وقف بعد از فوت صحیح نیست.

۱۴۲. واقف در وقفنامه تولیت را مخصوص خودش قرارداده با حق التولیه که نصف عایدات باشد.

الف) آیا در مقدار زائد از اجرت المثل، وقف صحیح است و وقف به نفس محسوب نیست؟

ب) بعد از فوت خود مدیریت عمل در موقوفات را برای سه نفر از اهالی قرار داده آیا عنوان مدیر همان معنی متولی را دارد؟

ج) محل مصرف عایدات را عمران و فقراء و حمامات که در وقفنامه نامبرده شده قرار داده آیا طبق همین تعیین باید عمل شود یا صرف در جاهای دیگر هم مجاز می باشد؟

جواب: الف) فرض مزبور وقف بر نفس نیست.

ب) احتیاط آن است که به حاکم شرع مراجعه کنند مگر در صورتی که احراز شود که منظور واقف از مدیر جعل تولیت است.

ج) عوائد وقف باید در همان جهت وقف که تعیین شده صرف شود.

۱۴۳. وکیلی منزل موکل خود را وکالتاً به وقف می رساند و خود را متولی موقوفه و فردی از افراد موقوف علیهم قرار می دهد در صورتی که منزل مذکور مسبوق به تصرف وکیل باشد.

اولاً از آنجا که واقف نمی تواند بهره ای از موقوفه را به نفع خود وقف نماید حکم مذکور را مرقوم فرمائید.

ثانیاً به فرض صحت عقد قبض چگونه تحقق می یابد؟

ثالثاً چون در صحت وقف اذن واقف در قبض شرط است در مورد مذکور آیا اذن موکل لازم است؟

جواب: واقف در اینجا خود موکل است و آنچه ذکر شده از قبیل وقف بر نفس نیست و قبض هم باید با اذن موکل باشد و چنانچه اذن عام به وکیل داده باشد اذن وکیل کافی است، و قبض متولی شرعی که خود وکیل است کافی است به این شرط که از طرف واقف مأذون در جعل تولیت برای خودش ولو به نحو عام باشد.